

پایه:	۱۰	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۴/۰۵/۱۳	ساعت:	۱۶

## نام کتاب: کفایه الاصول، از المقصد الفامس (المطلق والمقید) تا المقصد السابع اصول العملیة

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. إذا ورد مطلق و مقید متنافیان فإمّا یكونان متوافقین فی النفی و الإثبات مثل «أكرم عالماً» و «أكرم عالماً عادلاً» و إمّا یكونان مختلفین مثل «أعتق رقبة» و «لا تعتق رقبة كافرة» فیجمع بینهما بحمل ..... د ۹۱-۲۸۹
- أ. المقید علی التأكید فی الأول و المطلق علی المقید فی الثاني ☐  
 ج. المطلق علی المقید فی الأول و المقید علی الكراهة فی الثاني ☐  
 ب. المقید علی الاستحباب فی الأول و المطلق علی المقید فی الثاني ☐  
 د. المطلق علی المقید فی كليهما ☒
۲. الدلیل علی حجیة الظهور هو سیرة العقلاء علی اتباع الظهورات ..... ج ۳۲۴
- أ. بشرط إفادتها للظنّ فعلاً ☐  
 ج. من غیر تقيید بإفادتها للظنّ فعلاً و لا بعدم الظنّ كذلك علی خلافها ☒  
 ب. بشرط عدم وجود الظنّ علی خلافها فعلاً ☐  
 د. بشرط إفادتها للظنّ فعلاً أو عدم الظنّ الفعلی علی خلافها ☐
۳. إذا تمكّن من الإمثال القطعی التفصیلی فالإكتفاء بالإمثال الإجمالي ..... د ۳۱۵
- أ. غیر جائز لا فی التوصیلات و لا فی العبادات ☐  
 ج. جائز فی العبادات مطلقاً دون التوصیلات ☐  
 ب. جائز فی العبادات فیما لا یتوقف علی التكرار ☐  
 د. جائز فی العبادات مطلقاً و التوصیلات ☒
۴. علی رأی المصنف الشهرة الفتوائية ..... ب ۳۳۶
- أ. حجة لفحوى الأدلة النقلیة لحجیة خبر الواحد ☐  
 ج. غیر حجة مطلقاً ☐  
 ب. حجة بناءً علی كون حجیة خبر الواحد ببناء العقلاء ☒  
 د. حجة مطلقاً ☐

## تشریحی

\* أمّا دلالة الجمع المعرف باللام علی العموم مع عدم دلالة المدخول علیه فلا دلالة فیها علی أنّها تكون لأجل دلالة اللام علی التعین حیث لا تعین إلّا للمرتبة المستغرقة لجميع الأفراد، و ذلك لتعین المرتبة الأخری و هی أقلّ مراتب الجمع و إن أبيت إلّا عن استناد الدلالة علیه إلیه فلا محیص عن دلالة علی الاستغراق بلا توسط الدلالة علی التعین فلا یكون بسببه تعریف إلّا لفظاً. ۲۸۵

۱. استدلال بر اینکه الف و لام در جمع محلی افاده عموم می‌کند را ذکر کرده، ایراد مصنف و مراد از جمله «و إن أبيت ...» را توضیح دهید.
- استدلال: الف و لام دلالت بر تعیین و تعریف می‌کند و چون در مراتب جمع تعینی نیست مگر برای مرتبة نهایی، پس افاده عموم از این جهت است. جواب: تعین منحصر در مرتبة نهایی نیست بلکه أقلّ مراتب جمع (سه نفر مثلاً) نیز برای این تعین کافی است.
- جمله «و إن أبيت...»: اگر قرار باشد دلالت بر عموم مستند به الف و لام باشد، اینگونه تقریر شود که «ال» دلالت بر استغراق می‌کند نه دلالت بر تعیین ثم العموم و در نتیجه طبق این بیان «ال» افاده تعریف نمی‌کند.

\* أمّا إذا كان نقل ناقل الاجماع للمسبّب لا عن حسن بل بملازمة ثابتة عند الناقل بوجه دون المنقول إلیه ففيه إشكال أظهره عدم نهوض تلك الأدلة علی حجیة إذ المتیقّن من بناء العقلاء غیر ذلك كما أنّ المنصرف من الآیات والروایات ذلك. ۳۳۲

۲. صورت مذکور از اجماع منقول و دلیل عدم شمول ادله حجیت خبر واحد نسبت به آن را توضیح دهید.
- جایی است که ناقل اجماع مسبب که همان قول امام (ع) است را نقل می‌کند ولیکن نقل او حسی و مبتنی بر مقدمات قریب به حسن نیست بلکه بر اساس ملازمه‌ای که بین سبب (اقوال علما) و این مسبب (نظر امام (ع)) در نزد خود ناقل ثابت است چنین خبری را می‌دهد. در این

صورت سیره عقلاء و آیات و روایات داله بر حجیت خبر واحد شامل او نمی‌شوند. اما چون سیره دلیل لبی است و قدر متیقن آن اخبار حسی است و اما آیات و روایات نیز منصرف به اخبار حسی‌اند.

\* من أدلة حجیة خبر الواحد آية الكتمان و تقرب الاستدلال بها أن حرمة الكتمان تستلزم وجوب القبول عقلاً، للزوم لغويته بدونه لكنها ممنوعة، فإن اللغوية غير لازمة، لعدم انحصار الفائدة في القبول تعبدًا، وإمكان أن تكون حرمة الكتمان لأجل وضوح الحق بسبب كثرة من أفشاه و بينه. ۳۴۴

۳. اشکال استدلال را بیان کنید.

توضیح اشکال: استدلال به آیه در صورتی تمام است که حرمت کتمان، غیر از قبول تعبدی بیان حق، هیچ اثر دیگری نداشته باشد، و حال آنکه چنین نیست؛ چون ممکن است در اثر حرمت کتمان و وجوب بیان حق و ما أنزل الله، بیان و افشاء حق زیاد شود و موجب حصول علم و یقین به واقع شود، پس ملازمه ای نیست بین حرمت کتمان و حجیت تعبدی بیان.

\* لا يقال: لا بأس بالقول بقيام الاحتياط مقام القطع في تنجز التكليف لو كان فإنه يقال: أما الاحتياط العقلي فليس إلّا لأجل العقل بتنجز التكليف و صحة العقوبة على مخالفته، و لا شيء يقوم مقامه في هذا الحكم. و أما النقلي فالزام الشارع به و إن كان ممّا يوجب التنجز و صحة العقوبة على المخالفة إلا أنه لا نقول به في الشبهة البدوية و لا يكون بنقلي في المقارنة بالعلم الإجمالي. ۳۰۵

۴. ادعا و اشکال آن را توضیح دهید.

مدعا: احتیاط می‌تواند قائم مقام قطع و موجب تنجز تکلیف شود. (پس شبهات بدویه که در آن احتیاط تصویر می‌شود نیز منجز است) اشکال: احتیاط یا عقلی است یا شرعی؛ احتیاط عقلی ناشی از حکم عقل به تنجز تکلیف است و احتیاط که پس از تنجز ثابت است نمی‌تواند مثبت تنجز باشد.

احتیاط شرعی بر فرض ثبوت می‌تواند جای قطع نشسته و تکالیف را منجز کند لکن این دلیل نیز بی‌فایده است؛ چون در اطراف علم اجمالی جاری نیست (چون حکم عقل بر احتیاط وجود دارد) ادله نسبت به شبهات بدویه نیز قاصر است پس جایی که احتیاط شرعی ثابت شده باشد وجود ندارد.

\* الحق أن القطع يوجب استحقاق العقوبة في صورة عدم الإصاية على التجري بمخالفته لشهادة الوجدان بصحة مؤاخذته و ذمه على تجريه و هتك حرمة لمولاه و عزمه على العصيان و إن قلنا بأنه لا يستحق مؤاخذه أو مثوبة ما لم يعزم على المخالفة أو الموافقة بمجرد سوء سريره أو حسنها و إن كان مستحقاً للوم أو المدح بما يستتبعانه كسائر الصفات و الأخلاق الذميمة أو الحسنة و لكن ذلك مع بقاء الفعل المتجرى به أو المنقاد به على ما هو عليه من الحسن أو القبح و الوجوب أو الحرمة واقعاً بلا حدوث تفاوت فيه بسبب تعلّق القطع بغير ما هو عليه من الحكم و الصفة. ۸۹۲-۹

۵. أ. در چه صورتی تجری موجب استحقاق عقاب است و در چه فرضی استحقاق عقاب نمی‌آورد؟ ب. مقصود از جمله «ولكن ذلك مع بقاء...» را توضیح دهید.

أ. متجرى در صورتی که عزم و قصد بر عصیان داشته باشد مستحق عقوبت است و اگر به حدّ عزم و قصد نرسد و تنها به عنوان سوء سریره باقی باشد مستحق لوم و سرزنش است.

ب. مقصود از عبارت: حتی در همان فرضی که متجرى مستحق عقوبت است ولی باید توجه داشت که این باعث نمی‌شود فعل متجرى به (شرب الماء)؛ چون به عنوان مقطوع الخمر انجام گرفته متّصف به حرمت و قبح شود.

\* لا يذهب عليك أنه على تقدير لزوم الموافقة الالتزامية لو كان المكلف متمكناً منها لوجب ولو فيما لا يجب عليه الموافقة القطعية عملاً و لا يحرم المخالفة القطعية عليه كذلك أيضاً لامتناعهما كما إذا علم إجمالاً بوجوب شيء أو حرمة، للتمكن من الإلتزام بما هو الثابت واقعاً و الانقياد له و الاعتقاد به

بما هو الواقع و الثابت و إن لم يعلم أنّه الوجوب أو الحرمة و إن أبيت إلّا عن لزوم الإلتزام به بخصوص عنوانه لما كانت موافقته القطعية الإلتزامية حينئذٍ ممكنةً و لما وجب عليه الإلتزام بواحد قطعاً. ۳۰۹

۶. عبارت «كما إذا علم...» مثال برای چیست؟ امکان و عدم امکان موافقت التزامیه را در مورد مثال مذکور تقریر کنید.

مثال برای جایی است که موافقت و مخالفت قطعی عملیه ممکن نیست. امکان موافقت التزامیه در مورد دوران بین محذورین به این نحوه است که ملتزم به حکم الله واقعی علی ما هو علیه فی الواقع باشیم بدون تعیین خصوص هیچکدام، ولی اگر تعیین یکی بعینه لازم باشد در مورد دوران بین محذورین چنین موافقت التزامیه‌ای ممکن نیست و در نتیجه واجب نیز نخواهد بود.

\* ذهب بعض الأصحاب إلى عدم حجّة ظاهر الكتاب بدعوى شمول الأخبار الناهية عن تفسير القرآن بالرأى لحمل الكلام الظاهر فى معنى على إرادة هذا المعنى و فيه منع كون حمل الظاهر على ظاهره من التفسير فأنّه كشف القناع و لا قناع للظاهر و لو سلّم فليس من التفسير بالرأى إذ الظاهر أنّ المراد بالرأى هو الإعتبار الظنّي الذى لا اعتبار به و إنّما كان منه حمل اللفظ على خلاف ظاهره لرجحانه بنظره أو حمل المجمل على محتمله بمجرد مساعدته ذاك الإعتبار من دون السؤال عن الأوصياء. ۳۲۵-۷

۷. أ. استدلال بر عدم حجّت ظواهر قرآن را ذکر کنید. ب. تفسیر به رأی به چه معناست؟ دو مورد برای آن ذکر کنید.

أ. استدلال: تمسک به ظواهر قرآن مشمول روایات ناهیه از تفسیر قرآن به رأی است.

ب. مصنف: مقصود از رأی یعنی اعتبارات عقلیه ظنّیه غیر معتبره، مثل: حمل لفظ ظاهر در یک معنی بر معنایی که خلاف ظاهر آن است به مجرد وجوه ظنّیه‌ای که در نظرش ترجیح دارد و مثل حمل لفظ مجمل بر احد معنا بدون هیچگونه قرینه عرفیه.

\* ربما أشكل شمول آية النبأ للروايات الحاكية لقول الإمام عليه السلام بواسطة أو وسائط فإنه كيف يمكن الحكم بوجوب التصديق الذي ليس إلّا بمعنى وجوب ترتيب ما للمخبر به من الأثر الشرعى بلحاظ نفس هذا الوجوب فيما كان المخبر به خبر العدل أو عدالة المخبر لأنّه و إن كان أثراً شرعياً لهما إلّا أنّه بنفس الحكم فى الآية بوجوب تصديق خبر العدل حسب الفرض. ۳۴۱

۸. اشکال شمول آیه نبأ نسبت به اخبار مع الواسطه را توضیح دهید.

حاصل اشکال اتحاد موضوع و حکم در اخبار مع الواسطه است. توضیح: حجیت خبر واحد معنایش تصدیق و ترتیب آثار شرعی مخبر به است. حال اگر شیخ طوسی مثلاً خبری را از شیخ مفید نقل کند و شیخ مفید نیز از صدوق ... اشکال این است که حجیت خبر شیخ طوسی معنایش ترتیب آثار شرعیه خبر مفید است و خبر مفید اثرش چیزی جز وجوب تصدیق نیست؛ پس اثر با خود حکم متحد می‌شود.

\* استدلال على حجّة مطلق الظن بأنّ فى مخالفة المجتهد لما ظنّه من الحكم الوجوبى أو التحريمى مظنة للضرر و دفع الضرر المظنون لازم. أمّا الصغرى فلأنّ الظنّ بوجوب شيء أو حرمة يلازم الظنّ بالعقوبة على مخالفته أو الظنّ بالمفسدة فيها بناءً على تبعيّة الأحكام للمصالح و المفساد و أمّا الكبرى فلاستقلال العقل بدفع الضرر المظنون و لو لم نقل بالتحسين و التقيح لوضوح عدم إنحصار ملاك حكمه بهما. ۳۵۳

۹. أ. استدلال را تبیین کنید. ب. عبارت «بناءً على تبعيّة...» مربوط به چیست؟ توضیح دهید.

أ. ظنّ به حکم ملازم با ظنّ به عقوبت است / هر عقوبت مظنونى به حکم عقل واجب الدفع است / پس ظنّ به حکم واجب الدفع است یعنی ظنّ حجت است.

ب. عبارت مذکور مربوط به «جملة الظن بالمفسدة» است یعنی ظنّ به حکم بنابر مسلك عدليه که تبعیت احکام با مصالح و مفساد در متعلقات است ملازم با ظنّ به مفسده است.